فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۹۹، صص ۱۲۹-۱۲۱ New Period 4, No 29, 2020, P 121-129
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

نقش سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی) در توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه ویژه عسلویه

حسن آرایش*[۱]. حسین عبدالهی[۲]
۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران دانشگاه شیراز، ایران*
۲. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران

چکیده

سرمایه‌گذاری از مسائل مهم و راهبردی در سیاست هر کشوری محسوب می‌شود. این امر با توجه به وجود منابع ارزشمندی نظیر نفت و گاز اهمیت دوچندانی می‌یابد. نقش سرمایه‌گذاری در مناطق نفتی و گازی با توسعه اقتصادی رابطه‌ای نزدیک دارد. در سالیان گذشته سرمایه‌گذاری به صنعتی‌شدن منطقه عسلویه منجر شده است. اهمیت استراتژیک منطقه خلیج‌فارس و همچنین شهر صنعتی عسلویه به عنوان قلب انرژی که از مهم‌ترین پایگاه‌های اقتصادی ایران و همچنین یکی از بزرگ‌ترین مناطق تولید انرژی جهان محسوب می‌شود، نقش سرمایه‌گذاری در این منطقه را حساس می‌کند. سوال این پژوهش این است که نقش سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی) چه تاثیراتی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه ویژه عسلویه داشته است. فرضیه این پژوهش این است که سرمایه گذاری (خارجی و داخلی) در منطقه ویژه عسلویه باعث توسعه ناموزونی در ابعاد مختلف توسعه در این منطقه شده است که از یک طرف شاهد رشد و توسعه اقتصادی این منطقه هستیم اما متعاقب آن، منطقه با معضلات جدی در خصوص ابعاد اجتماعی و سیاسی توسعه روبه‌رو است بنابراین ما در این مقاله برآنیم که به چالش‌ها و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی) در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بپردازیم و در نهایت پیشنهاداتی جهت توسعه همه جانبه این منطقه ارائه می‌شود. روش این پژوهش تحلیلی و توصیفی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌گذاری، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و سیاسی، منطقه ویژه عسلویه.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مقدمه

ایران کشوری در حال توسعه است که دائمه پروژه‌های اقتصادی گوناگون در مناطق مختلف آن اجرا می‌شود. غالب این پروژه‌ها نظیر احداث سدها، ساخت جاده‌ها، طرح‌های آبیاری و زهکشی و احداث کارخانجات صنعتی در مقیاس وسیع و توأم با تأثیرات اجتماعی و فرهنگی شدید در مناطق مختلف آغاز و اجرا می‌شوند. ملاحظه نکردن شرایط پایداری اجتماعی و فرهنگی پروژه‌های توسعه سبب می‌شود تا زندگی سالم ساکنان مناطق اجرای این طرح‌ها و هم‌چنین پایدار با خطر مواجه شود. عسلویه در استان بوشهر یکی از مناطقی است که ظرف کمتر از ده سال سرمایه‌گذاری صنعتی (داخلی و خارجی) گسترده‌ای در آن انجام شده و به علل مختلف، ملاحظات اجتماعی و فرهنگی در احداث تأسیسات صنعتی رعایت نشده است. مقاله حاضر با بررسی توصیفی وضعیت منطقه عسلویه، قبل و بعد از احداث تأسیسات صنعتی، نشان می‌دهد که فقدان رویکرد اجتماعی و فرهنگی به توسعه چه عواقب ناگواری برای زندگی اجتماعی محلی داشته و توسعه پایدار در این منطقه را نیز با دشواری موجه می‌سازد. این مقاله درعین حال که از رویکرد توصیفی استفاده می‌کند. می‌تواند، در کل‌تبیینی برای ناپایداری اقدامات توسعه‌ای و بروز توسعه نامتوازن در شرایط کشورهایی نظیر ایران ارائه دهد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که آسیب‌های فراوانی در سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی در منطقه بروز کرده و در اکثر ابعاد بررسی شده این منطقه با معضلات جدی روبروست. به علاوه شواهد نشان می‌دهد اجتناب کردن از این مشکلات در صورت داشتن رویکردی اجتماعی و فرهنگی و برنامه‌ریزی فرابخشی امکان‌پذیر است.

وضعیت منطقه عسلویه قبل از ورود سرمایه‌گذاری

قبل از ورود صنعت، جمعیتی نزدیک به ۳۰ هزار نفر در کل منطقه و با مرکزیت دو بخش «نخل تقی» و «عسلویه» و در ۲۱ مرکز روستایی زندگی می‌کرده است. ۱۱۷۵۰ نفر در سال ۱۳۷۵ در بخش‌عسلویه سکونت داشته‌اند. متوسط اندازه خانوار در این منطقه برای خانوارهای ایرانی ۶ و برای خانوارهای غیرایرانی ساکن منطقه ۶/۵ نفر است. بخش عمده جمعیت منطقه عرب و سنی مذهب هستند. در این میان، عمده جمعیت نخل تقی سنی هستند و روستای بیدخون که بزرگ‌ترین روستا نیز محسوب می‌شود، تنها روستایی است که عمده ساکنان آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. جمعیت منطقه به لحاظ میزان سواد و دارا بودن مهارت‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با نیازمندی‌های پروژه‌های‌صنعتی‌ای که در منطقه اجرا شده‌اند، در سطح بسیار پایینی قرار داشته است. کشاورزی، دامداری و تجارت از راه دریا و به تبع آن کار کردن روی کشتی‌ها و لنج‌هایی که وسیله حمل‌ونقل دریایی بوده‌اند قبل از وارد شدن صنایع به منطقه، اصلی‌ترین راه‌های تأمین معیشت مردم محلی بوده است. گوجه، خرما، برخی مرکبات، سیفی و سبزیجات عمده‌ترین محصولاتی است که کشت می‌شده‌اند. دامداری نیز به صورت کاملا روستایی و مبتنی بر چرای دام‌ها در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مراتع منطقه انجام می‌شده است. سفر به کشورهای خلیج و تجارت کالاهای مختلف نیز راهی برای کسب معیشت بوده است (طالبیان، ۱۳۸۷: ۶۳).

بنا به اظهار نظر مردم محلی و آمارهای مراجع رسمی کلیه مسئولین و مقامات منطقه[۱] پیش از ورود صنعت نرخ آسیب های اجتماعی از جمله اعتیاد، دزدی و فحشا پایین بوده، ناامنی اجتماعی در حداقل ممکن قرار داشته، سطح مناسبی از ارتباط اجتماعی میان مردم برقرار بوده، و تورم قیمت کالاهای اصلی مورد نیاز مردم در سطح قابل قبولی بوده است. منطقه پارس جنوبی پیش از حضور صنایع گاز فاقد آلودگی زیست‌محیطی- در هوا و دریا - بوده است. آب آشامیدنی منطقه از چشمه‌های اطراف و آب‌های جاری از کوهستان که در آب انبارها ذخیره شده، تأمین می‌شده است. این منطقه بنا به گفته مسئولان از لحاظ تأمین برق مردم محلی مشکل خاصی نداشته است. البته بنا به گفته اهالی، پیش از ورود صنعت نیز برق از کیفیت خوبی برخوردار نبوده و ضمن قطعی های گاه به گاه، ضعیف نیز بوده است. وضعیت امکانات بهداشتی منطقه نامناسب و منطقه فاقد بیمارستان و آمبولانس بوده و خانه بهداشت عسلویه و نخل تقی از حداقل امکانات بی‌بهره بوده است. این در شرایطی است که منطقه گرمسیری و با رطوبت بسیار بالا و مستعد بروز مالاریا است. منطقه فاقد شهرداری بوده و سیستم مناسب و منسجمی برای جمع‌آوری زباله‌ها وجود نداشته است. زباله‌ها نیز در دریا دفع می‌شده‌اند. شهرها و روستاهای منطقه قبل از ورود صنعت فاقد خیابان‌کشی و همه کوچه‌ها خاکی و فاقد آسفالت بوده است. جاده ارتباطی منطقه نیز که در امتداد نوار ساحلی کشیده شده، بسیار باریک و با پوشش نامناسب آسفالت بوده است. البته این جاده کماکان - با تغییرات بسیار اندک - به وضع سابق باقیمانده است. با این حال به دلیل تردد اندک در منطقه - پیش از ورود صنایع- همین جاده تصادفات و میزان بالایی از مرگ و میر و سوانح رانندگی ایجاد نمی‌کرده است. جمعیت اندک و فقدان مهاجرپذیری و شرایط نسبتا نامساعد آب و هوایی منطقه قیمت زمین و مسکن را در سطح بسیار پایینی حفظ می‌کرده است.[۲] علیرغم وجود سطوح مختلف آموزش تا سطح دبیرستان در این منطقه، آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای نیز به دلیل وجود نداشتن مراکز ارائه آن‌ها در منطقه، هیچ‌گاه وجود نداشته است. این چنین آموزش‌هایی نه تنها در عسلویه و نخل تقی بلکه در کنگان که شهر مهم این منطقه به حساب می‌آید نیز وجود نداشته است (فاضلی، ۱۳۸۷: ۱۰-۱۱).

عسلویه، نخل تقی و روستاهای مجاور آنها پیش از ورود صنعت فاقد هرگونه امکانات ساخته شده توسط انسان برای گذران اوقات فراغت بوده‌اند. سالن ورزش، امکانات تفریحی، پارک، زمین بازی، سینما، سالن تئاتر و موسیقی، کتابخانه و سایر تأسیساتی که برای گذران اوقات فراغت ضروری هستند در منطقه

۱. آمارهای نیروی انتظامی منطقه و دادگستری این مدعا را تأیید می کنند.

۲. به نقل از اعضای شورای شهر عسلویه و بومیانی که زمین خود را فروخته بودند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

وجود نداشته است. شنا در دریا و انجام برخی بازی‌های بومی و محلی اصلی‌ترین راه گذران اوقات فراغت جوانان بوده است. فقدان امکانات لازم برای گذران اوقات فراغت در شرایطی که جمعیت منطقه درحد متعادلی بوده، تعداد زیادی مهاجر به منطقه وارد نشده و انبوهی از آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد در منطقه جایی نداشته‌اند، دشواری‌های زیادی ایجاد نمی‌کرده است. در ضمن به دلیل وجود نظام شغلی سنتی مبتنی بر کشاورزی، دامداری، صیادی و تجارت دریایی، بخش عمده ای از نیروی انسانی در این مشاغل جذب شده و زمان در دسترس به عنوان اوقات فراغت و میزان آسیب‌زایی ناشی از فقدان امکانات گذران اوقات فراغت اندک بوده است. هم چنین به دلیل بر هم نخوردن شیوه سنتی زندگی، بالا بودن سطح ارتباطات اجتماعی مردم و وجود امنیت اجتماعی، حضور جوانان و بالاخص زنان در معابر عمومی و برقراری ارتباط از این طریق برای گذران اوقات فراغت امکان‌پذیر بوده است. ورود صنعت عظیم نفت و گاز به این منطقه، اگرچه توسعه اقتصادی برای اقتصاد ملی را به همراه داشته لیکن تأثیری بر بهبود توسعه اجتماعی در این منطقه نداشته است. بررسی جامع اوضاع اجتماعی عسلویه نشان می‌دهد (انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۴) توسعه صنعتی نتوانسته است غبار توسعه‌نیافتگی - اجتماعی را از این منطقه بزداید و مشکلات دیگری را نیز افزوده است. برخلاف آنچه تصور می‌شود توسعه صنعتی در عسلویه به افزایش درآمد قابل توجه بومیان منطقه نینجامیده و عمده درآمد نصیب کارفرمایان و شاغلان غیربومی شده است. بیشتر افراد ساکن در شهر عسلویه در سال ۱۳۸۳ درآمدی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان داشته‌اند. همچنین میانه درآمد آنها ۱۵۰ هزار تومان است، بدین معنا که نیمی از خانوارهای عسلویه بالای ۱۵۰ هزار تومان و نیمی دیگر کمتر از ۱۵۰ هزار تومان در ماه درآمد داشته‌اند و با نادیده گرفتن روستای بیدخون که متوسط درآمد آنها بالاتر از دیگر روستاهاست، متوسط درآمد بیشتر اهالی بین پنجاه تا صدهزار تومان در ماه بوده است. عمده بومیان عسلویه در مشاغل پایین رتبه ایجاد شده در اثر توسعه صنعتی شاغل شده‌اند و عمده‌ترین دلیل این امر فقدان مهارت‌های فنی در نزد بومیان بوده است (طالبیان، ۱۳۸۷: ۷۳-۶۵).

وضعیت منطقه عسلویه بعد از ورود سرمایه‌گذاری و صنعتی شدن

توسعه تأسیسات صنعتی در این منطقه به ایجاد دشواری‌های گسترده‌تری در تأمین آب آشامیدنی منطقه انجامیده است. وضعیت نامناسب جاده‌ها در منطقه و افزایش یکبارهٔ ترافیک و تصادفات در منطقه نیز پیآمد توسعه صنعتی منطقه بوده است. ترافیک سنگین ناشی از نیازهای ترابری واحدهای صنعتی، تصادفات بسیاری در تنها جاده اصلی منطقه را ایجاد کرده به طور متوسط‌روزی ۱۰ تا ۱۲ مورد است. «به گفته یکی از اعضای شورای شهر عسلویه در سال ۱۳۸۴ ثبت می‌شده است». تصادف در منطقه کل منطقه عسلویه در زمان انجام تحقیق در تابستان ۱۳۸۴ فاقد امکاناتی نظیر سینما، سالن ۹۳ درصد

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

پاسخگویان ورزش، پارک و بقیه امکانات رفاهی برای گذران اوقات فراغت بود. عسلویه پس از ورود صنعت شاهد گسترش مصرف مواد مخدر و مشروبات‌الکلی بوده که عمدتاً کارگران و کارکنان واحدهای صنعتی مصرف‌کننده آن بوده‌اند ولی اهالی را نیز آلوده کرده است. دیگر آسیب‌های اجتماعی مانند اخاذی و سرقت، قتل و فساد و فحشا نیز به منطقه وارد شده است و بسیاری از اهالی و همچنین مسئولین منطقه به آن اشاره می‌کردند. حس نابرابری اجتماعی ناشی از حضور کارکنانی با درآمدهای زیاد در بین جامعه‌ای سنتی و کم توسعه یافته نیز عوارض اجتماعی و نارضایتی گسترده‌ای در منطقه ایجاد کرده است. ورود صنعت نفت به عسلویه با خود تعارضات جدی درباره مالکیت اراضی، شیوه تملیک اراضی بومیان توسط وزارت نفت، شیوه تعامل وزارت نفت با مدیران محلی و پذیرش مسئولیت‌های توسعه ارائه خدمات به مردم منطقه را نیز به همراه داشته است. آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از توسعه پالایشگاه‌ها در عسلویه عوارض بهداشتی بسیاری برای محیط‌زیست و مردم منطقه به همراه داشته است. ماهیگیری و مشاغل سنتی نظیر کشاورزی نیز به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و هنوز حل نشده است. تعارضات میان وزارت نفت با مالکان محلی، مدیران محلی، مردم و حتی کارکنان غیربومی وارد شده به منطقه چالش‌های گستردهای پیشروی مدیران صنعتی منطقه اقتصادی انرژی پارس جنوبی قرار داده است (فاضلی، ۱۳۸۸ :۱۳-۱۲).

پیامدهای اجتماعی سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی) به تأسیس و راندازی مؤسسات اقتصادی گوناگون اطلاق می‌شود و تأثیر مهمی در توسعه اقتصادی یک منطقه دارد چون هم باعث ورود سرمایه و فن‌آوری می‌شود، هم اشتغال‌زا است و هم در افزایش عملکرد منطقه در تجارت نقش مؤثری ایفا می‌کند. سرمایه خارجی برای کشورهای در حال توسعه از اهمیت بیش‌تری برخوردار است چون امکان دسترسی آن‌ها به منابع مالی چندان گسترده نیست.

ارزیابی اثرات اجتماعی سرمایه‌گذاری در یک منطقه خاص جغرافیایی رویکردی کاربردی در علوم اجتماعی است که از ابتدای دهه ۱۹۷۰ و در پی بروز عوارض منفی ناشی از اقدامات توسعه ای ایجاد شد. اتفاقاً اولین مطالعات جدی درباره اثرات اجتماعی اقدامات توسعه‌ای با بررسی اثرات احداث یک خط لوله نفت بر بومیان منطقه آلاسکا آغاز شد. بحث درباره مقولات اجتماعی - فرهنگی از آن زمان به بعد به یکی از عناصر اصلی در ارزیابی تأثیرات طرح‌های توسعه بدل شد.

اگرچه پیآمدهای اجتماعی توسعه صنعتی در عسلویه بازتاب رسمی گستردهای در اخبار کشور نداشته است، لیکن یکی از دغدغه‌های اصلی وزارت نفت و دولت در هشت سال گذشته بوده است. انجمن جامعه‌شناسی ایران در سال ۱۳۸۴ بنا به درخواست وزارت نفت مطالعه‌ای درباره وضعیت اجتماعی این

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

منطقه انجام داد (انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۴). نتایج این بررسی واقعی بهای اجتماعی بسیار مهمی را درخصوص عواقب توسعه صنعتی در این منطقه آشکار می‌سازد (طالبیان و دیگران، ۱۳۸۷).

طرح‌های توسعه صنعتی و کشاورزی غالبا پرهزینه‌اند و با ساخت‌شان منطقه وسیعی تحت تحت‌تأثیر اثرات مثبت یا منفی آن‌ها قرار می‌گیرند. در جریان ساخت و پس از راه‌اندازی و شروع به کار تأسیسات صنعتی، منطقه وسیعی از مناطق مسکونی که متعلق به مردمان بومی منطقه است تحت‌تأثیر امکانات تأسیس شده در منطقه (اعم از راه‌ها، آلودگی زیست‌محیطی، ورود به نیروی کار غیربومی، گسترش روابط تجاری در منطقه و تأثیر آن بر اقتصاد خانوار، ملاحظات امنیتی، تغییر در نظام معیشت و. . .) قرار می‌گیرد. گاهی اوقات احداث این تأسیسات نیازمند انتقال مردم به مکانی دیگر برای زندگی (اسکان مجدد) و هم‌چنین در نظر گرفتن نظام معیشتی جدیدی برای ایشان است (Cernea,1997:1). به همین نسبت، سرنوشت پروژه و میزان موفقیت آن در رسیدن به اهدافش نیز تحت‌تأثیر محیطی است که پروژه در آن اجرا می‌شود.

این‌گونه پروژه‌ها برای موفق شدن به همکاری نیروی کار محلی، همکاری مردم محلی در واگذاری زمین، اعتماد مردم به اقدامات توسعه‌ای برنامه‌ریزی شده و انجام شده، تشکیل سازمان‌های محلی برای مدیریت وضعیت جدید، جذب نیروهای متخصص برای بالا بردن سطح دانش موجود در منطقه و ارتقای سطح بهره‌وری اقتصادی و آماده‌سازی منطقه برای ایجاد تحول در ساختار اقتصادی و اجتماعی، تحول ساختار اجتماعی منطقه برای پذیرش الگوهای جدید زندگی، کار و روابط اقتصادی و اجتماعی، و در نظر گرفتن ملاحظاتی برای تضمین توسعه پایدار در آینده نیاز دارند. به عبارتی، موفقیت این‌گونه پروژه‌ها به زمینه‌سازی برای ایجاد تحولی همه‌جانبه در ساختار زندگی اقتصادی و اجتماعی وابسته است. بر همین اساس می‌توان گفت، مردم به میزانی با این پروژه‌ها همکاری می‌کنند که منافع ناشی از آن‌ها برای‌شان قابل لمس و معنادار باشد. به علاوه، چشم‌انداز روشنی از پایداری منافع طرح وجود داشته باشد.

نتیجه‌گیری

در شرح وضعیت عسلویه قبل از ورود صنعت نشان دادیم که این منطقه بسیار توسعه نیافته بوده است. بعد از ورود صنعت و قریب ۱۰ سال اجرای پروژه‌های صنعتی در این منطقه که سبب هزینه کردن چند ده میلیارد دلار سرمایه در این منطقه شده است، کماکان زندگی بومیان، زیرساخت‌های عمومی و شرایط کلی زندگی بیرون از مجتمع‌های صنعتی کاملا توسعه نیافته باقی‌مانده است. به عبارتی توسعه صنعتی سهمی در بهبود زندگی بومیان و ایجاد زیرساخت‌های عمومی توسعه نداشته است. در عوض پی‌آمدهای ناگوار اجتماعی این توسعه صنعتی بر مردم تحمیل شده است. بروز این وضعیت به‌معنای نقض شدن شرایط پایداری طرح‌های توسعه و توسعه فرهنگ‌گراست. بررسی یصورت گرفته نشان می‌دهد:

۱. سطح امکانات و خدمات ارائه شده به بومیان منطقه، قبل و بعد از اجرای پروژه‌ها، تغییر محسوسی نداشته و از همین رو منافع کوتاه مدت طرح‌ها برای بومیان ناچیز بوده است. در عوض انواع عوارض و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

دشواری‌های دیگر نظیر تورم، بروز آسیب‌های اجتماعی، شلوغی محیط زندگی، بر هم خوردن شبکه روابط و امنیت اجتماعی برای بومیان ایجاد شده است.

۲. به علت از بین رفتن فرصت‌های شغلی سنتی و معمول در منطقه و نداشتن مهارت‌های فنی، پدیدهء بیکاری بومیان ایجاد شده و بومیان از آشکارترین منفعت کوتاه و بلندمدت استقرار صنایع بی‌بهره مانده‌اند.

۳. توسعه صنعتی و سرازیر شدن سرمایه‌ها نه تنها سطح خدمات‌دهی به مردم بومی را افزایش نداده است بلکه مستقر شدن تأسیسات و سازمان‌هایی جهت استقرار پرسنل نفت و آمدن تکنولوژی‌های جدید همانند نورافکنی پرقدرت سطح نابرابری‌ها و شکاف اقتصادی را برای مردم. این اظهار نظر به هیچ‌وجه به‌معنای ضرورت نداشتن توسعه صنعتی، مخالفت با احداث تأسیسات صنعتی و گزینه‌های مشابه نیست. اذعان به وضعیت نامناسب توسعه عمومی در منطقه صرفا بیانگر باور به ضرورت فراتر رفتن از توسعه صرفا صنعتی و توجه داشتن به شرایط عمومی توسعه پایدار است.

۴. سیل مهاجرت کارگران مجرد و نبود امکانات و برنامه‌ریزی جهت انتقال خانواده‌ها نیز به بحران‌های اجتماعی موجود در منطقه دامن زده و بسیاری از آسیب‌دهی اجتماعی در منطقه گسترش یافته است. در ضمن تورم ناشی از حضور انبوه نیروی کار و مصرف کالاها در منطقه، سبب ایجاد دشواری‌های بسیار برای مردم منطقه شده است.

۵. بعد از ۱۰ سال که آغاز فعالیت صنعتی در عسلویه می‌گذرد، فقدان در نظر گرفتن امکانات آموزش فنی و حرفه‌ای سبب شده است تا سطح توان و مهارت نیروهای بومی برای اشتغال در صنایع ارتقا نیابد و از همین‌رو بومیان نتوانسته‌اند از مواهب توسعه صنعتی در منطقه بهره‌مند شوند.

۶. از آن‌جا که در توسعه صنعتی عسلویه صرفا وزارت نفت به‌عنوان مجری یا کارفرمای طرح‌ها نقش اصلی را ایفا کرده، مقوله برنامه‌ریزی فرابخشی به فراموشی سپرده شده و بقیه سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی از ارائه خدماتی متناسب با بار تحمیل شده به منطقه شانه خالی کرده‌اند. نتیجه این وضعیت، توسعه‌نیافتگی کلی منطقه است. کماکان بعد از قریب ۵ دهه تجربه توسعه صنعتی در ایران، هنوز ایجاد تأسیسات صرفا با رویکردی فنی و بدون ملاحظه کردن برنامه‌ریزی فرابخشی صورت می‌گیرد.

۷. اگرچه به نظر می‌رسد بومیان منطقه قربانیان اولیه این وضعیت هستند، اما نگاهی کلان‌نگر و شواهد تجربی نشان می‌دهد این وضعیت به کاهش سطح پایداری انسانی طرح‌های نیز انجامیده است. بررسی ما نشان می‌دهد کارکنان واحدهای صنعتی در شرایط روحی نامناسبی به سرمی‌برند، از آوردن خانواده‌های خود به منطقه امتناع کنید، شرایط زندگی در منطقه را نامناسب دانسته و برنامه‌ای برای اقامت طولانی در عسلویه ندارند. بنابراین در درازمدت نیروی انسانی مناسب و با انگیزه در بین غیربومیان وجود نخواهد داشت و زیرساخت‌های لازم برای تربیت چنین نیرویی در بین بومیان نیز ایجاد نشده است.

تجربه توسعه صنعتی در عسلویه اگرچه از نظر اقتصادی ملی موفقیت‌آمیز به نظر می‌رسد اما از نظر اجتماعی و فرهنگی با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو است. هیچ‌یک از صورت‌های جلب مشارکت به صورت واقعی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

در این منطقه به کار گرفته نشده‌اند و روی هم رفته مردم محلی در مقابل آن‌چه از دست داده‌اند چیز زیادی به دست نیاورده‌اند و توسعه صنعتی سبب زدودن چهره فقر و محرومیت از منطقه نشد است. اگرچه فراورده‌های تولیدی و دلارهای حاصل از احداث تأسیسات سبب ثروتمند شدن برخی افراد در مرکز کشور شده است ولی در نهایت توسعه صنعتی در عسلویه به گسترش شکاف مرکز - پیرامون در کشور دامن زده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ طالبیان، سیدامیر و دیگران، (۱۳۸۷)، تحلیل تأثیر اجتماعی توسعه صنعتی در منطقه عسلویه، نشریه نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۳، ص ۷۶-۵۵.

ـ انجمن جامعه‌شناسی ایران، (۱۳۸۴)، بررسی اثرات اجتماعی و فرهنگی توسعه صنعت نفت و گاز در منطقه عسلویه.

ـ فاضلی، محمد و همکاران، (۱۳۸۷)، پیآمدهای اجتماعی و فرهنگ استقرار تأسیسات نفت‌وگاز در جزیره خارک: شناخت وضع موجود، عل تیابی مسائل و راهکارهای حل مشکلات، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

ـ فاضلی، محمد، (۱۳۸۸)، تأثیرات اجتماعی توسعه تأسیسات صنعت نفت در مازندران، همایش طرح مسائل اجتماعی استان مازندران، قابل دسترس در سایت:

__ http://eta-group.Ir / Files / SIA ٪20for ٪20Oil ٪20Facilities ٪20in٪ 20 Mazandaran.pdf

__ Cernea, Michael M, (1997), Hydropower Dams and social Impacts. A Sociological Perspective, Word Bank

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]